برداشتن موی أبر و صورت

از دیدگاه اسلام و پزشکی

**ترجمه‌ی:**

**[النمص بین الشریعة والطب]**

**تأليف:**

**أم عبدالرحمن**

**ترجمه:**

**اسحاق دبيري**:

**1427/1385 ﻫ**

|  |  |
| --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | برداشتن موی أبر و صورت از دیدگاه اسلام و پزشکی |
| **عنوان اصلی:** | النمص بین الشریعة والطب |
| **تألیف:** | أم عبدالرحمن |
| **ترجمه:** | اسحاق دبیری |
| **موضوع:** | احکام اجتماعی و مستحدثه (حجاب، آرایش، زینت و...) |
| **نوبت انتشار:**  | اول (دیجیتال)  |
| **تاریخ انتشار:**  | دی (جدی) 1394شمسی، ربيع الأول 1437 هجری |
| **منبع:**  | کتابخانه عقیده www.aqeedeh.com |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.****www.aqeedeh.com** |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** |
| www.mowahedin.comwww.videofarsi.comwww.zekr.tvwww.mowahed.com |  | www.aqeedeh.comwww.islamtxt.com[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)www.sadaislam.com |
|  |  |
|  |
| contact@mowahedin.com |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[مقدمه 3](#_Toc393202908)

[بررسی کلمه النمص از نظر لغوی 5](#_Toc393202909)

[رأی ابن الأثیر: 5](#_Toc393202910)

[رأی نووی: 5](#_Toc393202911)

[رأی و نظر فیروزآبادی: 6](#_Toc393202912)

[رأی ابن منظور: 6](#_Toc393202913)

[رأی زمخشری: 6](#_Toc393202914)

[باريک نمودن أبروها از ديدگاه اسلام 9](#_Toc393202915)

[دلیل اول- قرآن 9](#_Toc393202916)

[دلیل دوّم- سنّت 10](#_Toc393202917)

[فتوای علما و دانشمندان بزرگ معاصر در مورد برداشتن موی ابروها 14](#_Toc393202918)

[برداشتن موی صورت و ابرو از ديدگاه پزشکی 22](#_Toc393202919)

[نکات زير، جای تأمل و تفکر است 26](#_Toc393202920)

[پايان 28](#_Toc393202921)

مقدمه

إنّ الحمد لله، نحمده ونستعينه ونستهديه، ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا، من يهده الله فلا مضلَّ له، ومن يضلل فلا هادی له، وأشهد أن لا إله إلاَّ الله وحده لا شريك له، وأشهد أنَّ محمداً عبده ورسوله.

حمد و سپاس مخصوص خداوند است، او را می‌ستاییم، از او کمک و طلب هدایت می‌کنیم، از شرّ نفس و اعمال بد به او پناه می‌بریم، هر کس که خدا هدایتش دهد هیچ کس توانایی گمراهی او را ندارد، و هر کس که گمراه شود هیچ کسی توان هدایت او را ندارد، شهادت می‌دهیم جز الله معبودی بحق نیست، تنها و بدون شریک است، گواهی می‌دهیم محمد ص فرستاده و بنده‌ی اوست.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٢﴾ [آل‌عمران: 102].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید آن چنان که باید از خدا ترس داشته باشید، از خدا بترسید (و با انجام واجبات و دوری از منهیات گوهر تقوی را به دامان گیرید) وشما (سعی کنید غافل نباشید تا چون مرگتان بناگاه در رسد) نمی‌رید مگر اینکه مسلمان باشید».

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَقُولُواْ قَوۡلٗا سَدِيدٗا ٧٠ يُصۡلِحۡ لَكُمۡ أَعۡمَٰلَكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ فَازَ فَوۡزًا عَظِيمًا ٧١﴾ [الأحزاب: 70-71].

«ای مؤمنان از خدا بترسید (و خویشتن را با انجام خوبی‌ها و دوری از بدیها از عذاب او در امان دارید) و سخن حق و درست بگویید در نتیجه خداوند (توفیق خیرتان می‌دهد) و اعمالتان را شایسته می‌کند و گناهتان را می‌بخشاید اصلاً هر که از خدا و پیغمبرش ص فرمانبرداری کند قطعاً به پیروزی و کامیابی بزرگی دست می‌یابد».

أما بعد:

جای بسی تأسف است خواهرانی را می‌بینیم که راه و روش غربی‌ها را در پیش می‌گیرند و در عادات و آداب و رسوم اجتماعی خود را شبیه زنان غربی می‌کنند به خصوص تقلید آنها از این روش و عادت بسیار پلید که کوچک کردن أبرو یا کندن موی ابرو و صورت نام دارد.

در این کتابچه حکم این روش و عادت را از دیدگاه شرع مقدس اسلام و از نظر پزشکی به تفصیل بیان می‌کنم و همچنین به چیزهای دیگری که به این موضوع ارتباط دارد اشاره کرده‌ام.

از خداوند توفیق و اخلاص و قبول را خواهانم.

أم عبدالرحمن

بررسی کلمه النمص از نظر لغوی

رأی ابن الأثیر[[1]](#footnote-1):

النَّمَصُ: باریک کردن أبروها به خاطر قشنگ نمودن آنها.

النامصه: کسی که أبروی زنها را باریک می‌کند.

الـمتنمصة: کسی است که خواهان باریک کردن أبروها باشد.

اَلَـمِنْماصْ: موچین.

رأی نووی[[2]](#footnote-2):

در باب متنمصات می‌گوید: متنمصات جمع متنمصه است و ابن الجوزی آن را منتمصه آورده است که میم را بر نون مقدم نموده و مقلوب است.

الـمتنمصة: کسی که موی أبرویش را به وسیله‌ی دیگران باریک می‌کند.

النامصة: کسی که موی أبروی دیگران را باریک می‌کند.

النماص: برداشتن موی صورت به وسیله‌ی موچین، به همین خاطر به منقاش (موچین) منماص گفته می‌شود. و همچنین گفته می‌شود که نماص مخصوص برداشتن موی أبروها برای باریک نمودن و یا راست و درست کردن آن است.

رأی و نظر فیروزآبادی[[3]](#footnote-3):

النَّمصُ: یعنی کَندن مو، و کسی که موها را می‌چیند لعنت شده است.

النَّمَصُ: (که تمام حروفش دارای حرکت باشند) نازک و باریک کردن مو به صورتی که آن را مانند موهای تازه روییده می‌بینی، یا به معنی موهای کوتاه است.

النَّمیص: یعنی: کَنده شده، اگر برای گیاهان به کار برده شود به معنی گیاهی است که حیوان آن را با دهانش کنده است، نه به معنی گیاهی که آن را خورده ولی بعداً روییده است.

رأی ابن منظور[[4]](#footnote-4):

النَّمَصُ: موهای کوتاه، و النَّمص: یعنی: نازک بودن و باریک بودن مو به صورتی که آن را مانند موهای تازه روییده می‌بینی.

رَجُلٌ أَنْمَصٌ یعنی: مردی که تازه موهایش روییده، و رجل أنمص الحاجب مردی است که موی ابرویش پس از برداشتن دوباره روییده است.

النمص: یعنی کندن مو و نَمَصَ شَعْرَهُ یَنْمُصُهُ نَمْصاً یعنی موها را کَند.

رأی زمخشری[[5]](#footnote-5):

اَلنَّمص: یعنی کندن مو. و أَلْمِنْماص: یعنی موچین.

ابن فارس گفته است[[6]](#footnote-6):

نمص: أَلنَّمَصُ: باریک کردن مو، أَلنَّمَص یعنی کندن آن.

الـمنماص: یعنی موچین.

مهم‌ترین حدیث شناس یعنی ابن حجر چنین می‌فرماید[[7]](#footnote-7):

اَلنّامِصَه: به کسی می‌گویند که موها را می‌کَند.

اَلْـمُتنمصه: به کسی می‌گویند که خواستار کندن موی خود است.

از قاضی عیاض[[8]](#footnote-8) و ابن الأثیر[[9]](#footnote-9) و أبی عبیده القاسم بن سلام[[10]](#footnote-10) روایت شده است که نامصه به کسی می‌گویند که مو را از صورت می‌کَند.

ابن منظور[[11]](#footnote-11) می‌گوید:

«... زَجَّجَتِ الـمرأهُ حاجبها بِالْـمِزَحِّ». یعنی زن أبرویش را باریک و دراز کرد، بعضی گفته‌اند یعنی ابرویش را با سرمه طولانی کرد، و شاعر در این رابطه چنین می‌گوید:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| إذا ما الغانیات بَرَزْنَ یوماً |  | وزجَّجْنَ الْحواجبَ والعیونا |

زمانی که دختران ازدواج کردند روزی خود را نشان می‌دهند و ابرو و چشم‌هایشان را دراز می‌کنند. منظور شاعر باریک کردن و دراز کردن ابروهاست که با برداشتن موهای اضافه، صورت می‌گیرد. و زنها در دوران جاهلیت موهای ابرو را باریک می‌کردند و پیامبر اسلام ص آنها را از این کار برحذر داشت.

باريک نمودن أبروها از ديدگاه اسلام

حرام بودن باریک کردن موهای ابرو هم در قرآن و هم در حدیث پیامبر ص وارد شده است.

دلیل اول- قرآن

قوله تعالی:

﴿وَلَأٓمُرَنَّهُمۡ فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلۡقَ ٱللَّهِ﴾ [النساء: 119].

«و بدیشان دستور می‌دهم و آنان آفرینش خدا را دگرگون می‌کنند».

ابن عربی در مورد این آیه می‌گوید:

پیامبر خدا ص افراد زیر را لعنت کرده است:

الف) کسی که خال کوبی می‌کند و کسی که خواستار خال کوبی است.

ب) کسی که ابروها را باریک می‌کند و کسی که خواستار باریک کردن آن باشد.

ج) کسی که دندانها را تیز و باریک می‌کند و کسی که خواستار آن است.

د) کسی که به خاطر زیبایی بین دندانهایش فاصله ایجاد می‌کند و با این کار آفرینش خدا را دگرگون می‌سازد.

واشمه: به زنی می‌گویند که یک نقطه یا خطوطی را از بدن زخمی می‌کند و در آن سرمه می‌ریزد و با حالت تکبر نمایان می‌شود. زنان با این حالت خود را برای مردان آرایش می‌دهند و مردانی از سرزمین جزيره صقليه و آفریقا آن را انجام می‌دادند تا نشانه‌ی مردانگی آنها در ابتدای خلقت باشد.

النّامصة: کسی که به خاطر زیبایی موها را می‌کَند. ابن عربی در ادامه می‌گوید: همة این کارها، دگرگون کردن آفرینش خداست و تغییر هیئت و قیافه می‌باشد که از دیدگاه اسلام حرام است. حسن البصری هم درست این فهم را از این آیه داشته‌اند[[12]](#footnote-12).

ابن سعدی / در توضیح این آیه چنین می‌گوید:

این دگرگونی‌ها یعنی تغییر ظاهر به وسیله‌ی خال کوبی، تیز و باریک کردن دندانها، باریک کردن ابروها و ایجاد فاصله بین دندانها با هدف زیبایی فریب شیطان است که به این وسیله آنها را گول می‌زند تا خلقت و آفرینش خدا را تغییر دهند.

این اعمال نشانه‌ی اعتراض به خلقت وآفرینش و طعنه در حکمت و ارادة خداست.

با انجام چنین کارهایی عملاً اعلام می‌کنند کارهایی که با دست خود انجام می‌دهیم بهتر و خوبتر از خلقت و آفرینش خداست. و نوعی نارضایتی به تقدیر و تدبّر خدا می‌باشد. این شامل تغییر آفرینش داخلی هم می‌شود[[13]](#footnote-13).

دلیل دوّم- سنّت

پیامبر ص می‌فرمایند: «لَعَنَ اللَّهُ الْوَاشِمَاتِ وَالْمُسْتَوْشِمَاتِ وَالنَّامِصَاتِ وَالْمُتَنَمِّصَاتِ وَالْمُتَفَلِّجَاتِ لِلْحُسْنِ الْمُغَيِّرَاتِ خَلْقَ اللَّهِ»[[14]](#footnote-14). «خدا لعنت کند آن کسی که خال کوبی می‌کند و کسی که می‌خواهد برای او خال کوبی کنند، خداوند لعنت کند کسی که ابروها را باریک می‌کند و کسی که خواستار باریک کردن آنهاست، خداوند لعنت کند کسی که دندانها را به منظور زیبایی باریک و تیز می‌کند، اینها کسانی هستند که آفرینش خدا را دگرگون می‌کنند».

ابن منظور درباره کلمه لعن چنین می‌گوید: أَبَیْتَ اللعنَ: جمله‌ای است که عرب‌ها در عصر جاهلیت برای تعریف و تمجید از پادشاهان به کار می‌بردند، به این معنی است که: ای پادشاه تو با آنچه که موجب نفرین و ظلم و ستم می‌شود مخالف هستی و مانع آن می‌شوی، و لعن یعنی: دوری از خیر، حتی بعضی نظرشان این است که لعن یعنی دوری از خدا، و خداوند هر کس را لعنت کند در واقع از رحمت و مهربانی او دور شده است و مستحق عذاب خواهد شد لذا هلاک می‌شود[[15]](#footnote-15).

أبوداود در توضیح این حدیث شریف می‌گوید: اَلنّامِصه: زنی است که ابروها را زیبا و باریک می‌کند[[16]](#footnote-16) که این کار دگرگونی خلقت و آفرینش خداست[[17]](#footnote-17).

اَلْـمُتَنَمّصة: زنی است که خواستار باریک کردن ابروان خود است.

قاضی عیاض می‌گوید:

النامصة: زنی است که موها را از صورت خود و دیگران می‌کَند.

الـمتنمصة: کسی است که خواستار کَندن مو از صورت و ابروی خود است.

بعضی گفته‌اند در واقع النِّماص: فقط مخصوص برداشتن مو از دو تا ابرو است که آنها را باریک یا راست و درست می‌کند[[18]](#footnote-18).

مروذی از امام احمد روایت می‌کند که برداشتن مو از صورت به وسیلة موچین قطعاً مکروه است و پیامبر ص کسی را که خواستار موچین کردن موهای خود است لعنت کرده است، و منظور از کراهت نزد امام احمد کراهت تحریمی است، دلیلش برای این مطلب همان حدیث پیامبر ص است که هر کس آنرا انجام دهد مورد لعنت قرار می‌گیرد، و روشن است که لعنت مخصوص گناهان کبیره است. تراشیدن و کوتاه کردن این موها نیز شامل کندن می‌شوند[[19]](#footnote-19).

ابن علان می‌گوید: نهی فقط شامل موهای ابرو و موهای اطراف صورت می‌باشد[[20]](#footnote-20).

ابن أثیر گفته است: اَلنَّمصُ: یعنی نازک کردن و باریک نمودن ابروها به خاطر زیبا کردن آنها همانطور که در بررسی لغوی آن گذشت[[21]](#footnote-21).

نووی گفته است: النّامصه: زنی است که موی ابروی دیگران را به منظور زیبایی باریک می‌کند و برمی‌دارد. و متنمصه زنی است که خواستار این عمل باشد[[22]](#footnote-22).

دانشمند بزرگ علامه مُناوی چنین می‌گوید: النّامصه: به زنی می‌گویند که خواهان برداشتن موی صورت و ابروها با موچین است[[23]](#footnote-23).

امام ذهبی در كتاب (الکبائر) قسمت درست بودن لعنت برای کسانی که گناهان نامشخص و غیر مشهور انجام می‌دهند، می‌گوید:

پیامبر ص فرموده است: «لعنَ اللهُ النّامصةَ ...» امام ذهبی گفته است: نامصه زنی است که موی ابروی دیگران را برمی‌دارد و متنمصه زنی است که این کار بر روی او انجام می‌گیرد[[24]](#footnote-24).

ابن حجر هیتمی در کتاب الزواجر عن ارتکاب الکبائر می‌گوید:

النّامصه: زنی است که ابروها را زیبا می‌کند تا اینکه باریک شود. أبوداود نیز نظر ابن حجر هیتمی را تأیید می‌کند. ولی آنچه خطابی و غیر او در رابطه با النّامصه گفته‌اند مشهورتر و بهتر است، مبنی بر اینکه النّامصه از مادة النمص به معنی برداشتن موی صورت است[[25]](#footnote-25). با توجه به بررسی گفته‌های اغلب علماء و دانشمندان به این نتیجه می‌رسیم که أَلنَّمص به معنی برداشتن موی ابروها است. از أئمة بزرگوار مثل جلال الدین سیوطی و امام السندی[[26]](#footnote-26) و خطابی[[27]](#footnote-27) و شوکانی[[28]](#footnote-28) و بقیه‌ی امامان و بزرگواران که قبلاً نام بردیم، روایت شده است که النمص عام است، یعنی برداشتن موی صورت که ابروها نیز شامل آن می‌شود.

فتوای علما و دانشمندان بزرگ معاصر در مورد برداشتن موی ابروها

بی‌مناسبت نیست که در اینجا نظرات دانشمندان معاصر را در رابطه با حکم برداشتن و باریک کردن موی ابروها بیان کنیم:

• سؤال: از دانشمند بزرگوار شیخ عبدالعزیز بن باز پرسیده شد:

حکم کم کردن موهای اضافه از ابروها چیست؟

جواب: برداشتن و کم کردن موی ابروها درست نیست، چون از پیامبر ص روایت شده است «لعنَ اللهُ النّامصةَ والـمتنمصةَ» «خداوند زنی را که موی ابروها را باریک یا برمی‌دارد و زنی که خواستار انجام این کار است لعنت کرده است».

اهل علم و دانش توضیح داده‌اند که برداشتن و گرفتن موی دو تا ابرو شامل اَلنَّمص می‌شود[[29]](#footnote-29).

• سؤال: از استاد بزرگوار شیخ محمد بن صالح عثیمین پرسیده شد:

حکم برداشتن و یا کم کردن بعضی از موهای اضافه از ابرو چیست؟

جواب: برداشتن مو از ابروها اگر به صورت کندن باشد این همان نمص (یعنی باریک کردن ابروهاست) و رسول الله ص کسی که این کار را انجام می‌دهد و کسی که خواستار انجام آن است، نفرین کرده است، و این عمل از گناهان کبیره می‌باشد. این عمل مخصوص زنان است چون غالباً آنها این کار را برای زیبایی انجام می‌دهند. و اگر چنانچه مردی این کار را انجام دهد او هم مثل زنان از طرف خدا مورد لعن و نفرین قرار می‌گیرد، از این عمل ناشایست به خدا پناه می‌بریم. و اگر این عمل بدون کندن باشد مثل کوتاه کردن یا تراشیدن، بعضی از اهل علم آن را مثل کندن حرام می‌دانند چون دگرگونی خلقت و آفرینش خداوند است، پس تفاوتی نیست که کندن یا کوتاه کردن یا تراشیدن باشد.

این نظریه بدون شک مطمئن‌ترین نظریه می‌باشد پس بر شخص مسلمان زن یا مرد لازم است از این عمل دوری کند[[30]](#footnote-30).

• سؤال: از استاد بزرگوار شیخ عبداله بن جبرین پرسیده شد:

حکم برداشتن موی ابروها چیست؟

جواب: برداشتن موی ابروها و باریک کردن آنها جایز نیست و این برداشتن و باریک کردن همان چیزی است که از آن نهی شده است پیامبر ص کسانی را که این کار را می‌کنند و یا خواستار آن هستند به خاطر تغییر خلقت خدا لعنت کرده است[[31]](#footnote-31).

• استاد عالیقدر شیخ ناصرالدین ألبانی در کتاب: (آداب الزفاف) آداب عروسی چنین می‌گوید:

برداشتن موی ابروها به وسیله‌ی زنان یا به شکل کمان و هلال درآوردن آن به گمان خود برای زیبا جلوه دادن، از کارهایی است که رسول خدا محمد ص آن را حرام و ممنوع کرده است و انجام دهندة آن را نفرین و لعنت کرده است. ایشان می‌فرمایند: «لَعَنَ اللَّهُ الْوَاشِمَاتِ وَالْمُسْتَوْشِمَاتِ وَالنَّامِصَاتِ وَالْمُتَنَمِّصَاتِ وَالْمُتَفَلِّجَاتِ لِلْحُسْنِ الْمُغَيِّرَاتِ خَلْقَ اللَّهِ»[[32]](#footnote-32). «خداوند زنانی را که خال کوبی می‌کنند و یا خواهان خال کوبی هستند و زنانی که ابروها را باریک و نازک می‌کنند و یا زنانی که خواستار این کار هستند و زنانی که به خاطر زیبایی دندان‌هایشان را تیز و باریک می‌کنند لعنت می‌کند چون خلقت و آفرینش خدا را دگرگون و تغییر می‌دهند».

\* استاد محمود محمد شاکر در حاشیه و نظریه‌ای که بر تفسیر طبری نوشته است می‌گوید:

الـمتنمصة والنامصة: به زنی می‌گویند که موی ابرویش را با موچین برمی‌دارد و آن را باریک و دراز و راست و درست می‌کند[[33]](#footnote-33).

• سؤال: از استاد بزرگوار شیخ عبدالعزیز بن باز در مورد حکم برداشتن مویی که در صورت زن می‌روید، سؤال شد؟

ایشان جواب دادند: پاسخ این سؤال توضیح دارد: اگر آن مو عادی باشد برداشتن آن درست نیست «لعنَ اللهُ النامصة الـمتنمصة» «خداوند زنی را که موی ابروها را باریک می‌کند و زنی که خواهان برداشتن آن است نفرین و لعنت کرده است».

النَّمص گرفتن موی صورت و أبروهاست. ولی اگر آن مو چیز زائد و اضافه باشد مثلاً باعث زشتی خلقت و آفرینش شود مثل سبیل و ریش (برای زنان) در این صورت برداشتن آنها اشکالی ندارد و گناه نیست چون خلقت و قیافة زن را زشت می‌کند و به زن ضرر می‌رساند[[34]](#footnote-34).

• سؤالی متوجه هیئت دائمی افتاء شد مبنی بر اینکه: حکم اسلام در رابطه با کندن موی بین دو ابرو چیست؟

جواب: کندن و برداشتن آن جایز و درست است، چون جزو ابروها به حساب نمی‌آید[[35]](#footnote-35).

• از استاد گرامی شیخ عبدالعزیز بن باز پرسیده شد که اگر زن سر و ابروی خود را بتراشد و کلاه گیس (موی مصنوعی) بپوشد چه حکمی دارد؟

جواب: برای زن جایز نیست سرش را بتراشد مگر اینکه ضرورتی پیش آید چون ترمذی و نسائی از علی روایت کرده‌‌اند که پیامبر ص زن را از تراشیدن سر بر حذر داشته است.

أما تراشیدن موی ابروها یا کم کردن آنها یا گرفتن دور و بر و تراشیدن و کندن آن، به منظور آرایش همانطور که بعضی از زنان امروزی آنرا انجام می‌دهند حرام است چون تغییر و دگرگونی در خلقت و آفرینش خداوند است و پیروی از شیطان است که انسان را فریب می‌دهد و او را به تغییر خلقت و آفرینش خدا وامی‌دارد. خداوند تبارک وتعالى می‌فرماید:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَغۡفِرُ أَن يُشۡرَكَ بِهِۦ وَيَغۡفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَن يَشَآءُۚ وَمَن يُشۡرِكۡ بِٱللَّهِ فَقَدۡ ضَلَّ ضَلَٰلَۢا بَعِيدًا ١١٦ إِن يَدۡعُونَ مِن دُونِهِۦٓ إِلَّآ إِنَٰثٗا وَإِن يَدۡعُونَ إِلَّا شَيۡطَٰنٗا مَّرِيدٗا ١١٧ لَّعَنَهُ ٱللَّهُۘ وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنۡ عِبَادِكَ نَصِيبٗا مَّفۡرُوضٗا ١١٨ وَلَأُضِلَّنَّهُمۡ وَلَأُمَنِّيَنَّهُمۡ وَلَأٓمُرَنَّهُمۡ فَلَيُبَتِّكُنَّ ءَاذَانَ ٱلۡأَنۡعَٰمِ وَلَأٓمُرَنَّهُمۡ فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلۡقَ ٱللَّهِۚ وَمَن يَتَّخِذِ ٱلشَّيۡطَٰنَ وَلِيّٗا مِّن دُونِ ٱللَّهِ فَقَدۡ خَسِرَ خُسۡرَانٗا مُّبِينٗا ١١٩﴾ [النساء: 116 – 119].

«خداوند، شرک به او را نمى‏آمرزد; (ولى) كمتر از آن را براى هر كس بخواهد (و شايسته بداند) مى‏آمرزد. و هر كس براى خدا همتايى قرار دهد، در گمراهى دورى افتاده است. آنچه غير از خدا مى‏خوانند، فقط بتهايى است (بى‏روح)، كه هيچ اثرى ندارد، و (يا) شيطان سركش و ويرانگر است. خدا او را از رحمت خويش دور ساخته; و او گفته است: «از بندگان تو، سهم معينى خواهم گرفت! و آنها را گمراه مى‏كنم! و به آرزوها سرگرم مى‏سازم! و به آنان دستور مى‏دهم كه (اعمال خرافى انجام دهند، و) گوش چهارپايان را بشكافند، و آفرینش پاک خدایى ‏را تغییر دهند! (و فطرت توحید را به شرک بیالایند!)» و هر كس، شیطان را به جاى خدا ولى خود برگزیند، زیان آشكارى كرده است».

در حدیث صحیح آمده است که ابن مسعود از پیامبر ص روایت می‌کند که «لَعَنَ اللَّهُ الْوَاشِمَاتِ وَالنَّامِصَاتِ وَالْمُتَفَلِّجَاتِ الْمُغَيِّرَاتِ لخَلْق اللَّهِ». «خداوند زنانی را که خال کوبی می‌کنند و زنانی که موی ابروها را برمی‌دارند و باریک می‌کنند و یا دندانها را تیز و باریک می‌کنند لعنت کرده است». سپس ابن مسعود ادامه می‌دهد و می‌گوید: آیا کسی که پیامبر ص او را نفرین و لعنت کرده است، نفرین نکنم؟ در حالی که قرآن ما را به پیروی و اطاعت از این پیامبر ص أمر کرده است!.

خداوند تعالى می‌فرماید:

﴿وَمَآ ءَاتَىٰكُمُ ٱلرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَىٰكُمۡ عَنۡهُ فَٱنتَهُواْۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۖ إِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ﴾ [الحشر: 7].

«چیزهایی را که پیغمبر ص برای شما (از احکام الهی) آورده است اجرا کنید و از چیزهایی که شما را از آن بازداشته است دست بکشید از خدا بترسید که خدا عقوبت سختی دارد»[[36]](#footnote-36).

اما پوشیدن کلاه‌گیس[[37]](#footnote-37) (موی مصنوعی) در کتاب صحیح بخاری و مسلم و بقیة کتب حدیث از پیامبر ص نقل شده است «أنَّهُ لَعَنَ الْوَاصِلَةَ وَالْمُسْتَوْصِلَةَ». یعنی: «پیامبر ص زنی را که موی دیگران را به سر زنان دیگر پیوند می‌زند و همچنین زنی که خواهان پیوند زدن موی خود به زن دیگری است، نفرین و لعنت کرده است».

الواصلة: به زنی می‌گویند که موی خود را به موی زن دیگری پیوند می‌زند. در همین راستا امام بخاری / حدیث معاویه را بیان می‌کند: روزی معاویه بر منبر پیامبر ص رفت و برای مردم خطبه‌ای ایراد کرد، دسته مویی را که به دست یکی از نگهبانان او بود به دست گرفت و گفت: ای اهل مدینه دانشمندان و علمای شما کجایند؟ چرا ساکت نشسته‌اید، از رسول الله ص شنیده‌ام که از چنین کاری نهی کرده‌اند و می‌فرماید: «إنّما هلکتْ بنو إسرائیلُ لـما اتَّخذَ هذه نساؤهُمْ» «آن چه طایفه‌ی بنی اسرائیل را به هلاکت داد این بود که زنانشان این عمل را انجام می‌دادند (یعنی موی دیگران را به سر خود پیوند می‌زدند)».

معاویه پیرامون پیوند مو مطلبی دارد مبنی بر این که استفاده کردن از موی سر مصنوعی درست در حکم پیوند است، این نشانة فهم عمیق و علم فراوان و فهم دقیق معاویه می‌باشد. دلیل این که این فهم دقیق و عمیق است این است: زمانی که زن به خاطر این که موی سرش درازو یا پرپشت و زیاد شود، پیوند می‌زند این کار حرام و سزاوار لعنت است چون در این عمل فریب و پوشاندن عیب و دروغ وجوددارد. پس استفاده کردن از یک سر کاملاً مصنوعی و دروغین خیلی فریبنده‌تر و باطل‌تر و ناحق‌تر است، که این مطلب الحمدلله خیلی واضح و روشن است. علاوه بر موارد ذکر شده انجام این عمل تقلید از یهود می‌باشد و پیغمبرص می‌فرماید: «مَنْ تَشَبَّهَ بقومٍ فهو منهُمْ». «هر کس به قوم و ملّتی شباهت پیدا کند پس او هم از آن قوم و ملّت محسوب می‌شود».

• سؤال: زمانی که بر سر زن هیچ مویی وجود نداشته باشد چه حکمی وجود دارد؟

جواب: استاد بزرگوار شیخ ابن عثیمین جواب داد: بعد از آن که استاد حکم کلاه گیس را بیان کرد و گفتند که حرام است فرمود اگر هیچ مویی بر سر زن نبود و اصلاً مویی بر سر نداشت مثلاً کچل بود در این صورت اگر از کلاه گیس استفاده کند تا این عیب را بپوشاند مرتکب گناه نشده است. چون از بین بردن عیب و نقص جایز و درست است. پیامبر ص در یکی از غزوه‌ها برای پوشاندن عیب و نقص به یکی از اصحاب که بینی‌اش قطع شده بود اجازه داد که از بینی مصنوعی از جنس طلا استفاده کند. پس این مسئله وسیع‌تر از آن است که مسائلی همچون عمل‌های جراحی به منظور زیبایی و یا کوچک کردن بینی و غیره داخل آن شود. عمل جراحی به خاطر زیبایی از بین بردن عیب و نقص نیست اگر چنانچه برداشتن عیب و نقص باشد اشکالی ندارد مثلاً در بینی فرد نوعی کجی وجود داشته باشد و آنرا درست کند و یا برداشتن قسمتی از سیاهی باشد از نظر اسلام جایز است. اما در صورتی که این کارها به خاطر از بین بردن عیب و نقص نباشد مثل خال کوبی یا باریک کردن و تیز کردن ابروها ممنوع و حرام است و استفاده کردن از کلاه گیس در این موارد حتی اگر با اجازه و رضایت شوهر هم باشد حرام است چون رضایت و اجازه برای چیزی که خداوند آن را حرام کرده است اعتبار ندارد[[38]](#footnote-38).

• سؤال: اگر چنانچه زنی درمحل سبیل و ریش او مو بروید حکم آن چیست؟

جواب: استاد بزرگوار شیخ ابن عثیمین جواب دادند: اگر مو در محل سبیل و ریش زن پیدا شد هیچ اشکالی برای برداشتن آن وجود ندارد[[39]](#footnote-39).

این بحث را با بیان احکام برداشتن بقیه‌ی موی اعضای بدن به نسبت زنها کامل‌تر می‌کنیم:

• سؤال: حکم برداشتن موی پاها و دست‌ها برای زنان چیست؟

جواب: استاد گرامی شیخ بن باز جواب دادند: برداشتن موی پاها و دست‌ها برای زنان هیچ اشکال و گناهی ندارد و ما اشکالی نمی‌بینیم[[40]](#footnote-40).

اما برداشتن موی زیر بغل و شرمگاه:

درست نیست برداشتن موی زیر بغل و شرمگاه بیش از چهل شبانه‌روز تأخیر شود. چون أنس از پیامبر ص نقل می‌کند که «وَقَّتَ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ فِى قَصِّ الشَّارِبِ وَتَقْلِيمِ الأَظْفَارِ وَحَلْقِ الْعَانَةِ وَنَتْفِ الإِبْطِ أَنْ لاَ نَتْرُكَ أَكْثَرَ مِنْ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً». «پیامبر ص برای کوتاه کردن سبیل و گرفتن ناخن و کندن موی زیر بغل و شرمگاه برای ما زمان تعیین کرد که هیچ کدام از این‌ها را بیش از چهل شب به تأخیر نیاندازیم».

برداشتن موی صورت و ابرو از ديدگاه پزشکی

ای خواهرم بدان که خداوند بزرگ و مهربان هیچ چیزی را بدون حکمت و فلسفه حرام نکرده است، یکی از فلسفه‌های حرام بودن برداشتن موی صورت و ابرو، ضرر و زیانی است که اطراف چشم را در برمی‌گیرد، این شما و این نظر و رأی بعضی از پزشکان در این مورد:

بعضی از پزشکان متخصص چشم دو حالت را برای التهام بافت سلولی اطراف چشم به سبب کندن موی ابروها بیان کرده‌اند:

یکم: زنی است بیست و دو ساله که دو روز بعد از کندن موی ابروها، چشمانش دچار تورم و سرخی شده است و اجباراً برای علاج بیماری به پزشک مراجعه کرده است.

دوّم: زنی است که با رفتن نزد پزشکان متخصص زیبایی و کندن موهای ابرو و اطراف صورت، بعد از یک روز دچار سرخی و درد اطراف ابرو شده و بعد از چهار روز اطراف چشمش دچار التهاب و برآمدگی شده است که سبب بستری شدن او در بیمارستان گردیده است، و پزشکان مجبور شدند آنتی‌بیوتیک‌هایی از طریق رگ به او تزریق کنند، علاوه بر مشکلات بالا لکه‌های (سفیدی) بر صورت او تشکیل شده‌اند و این حالت بعد از شفا و علاجش عیب و نقصی به اندازه شش سانتی‌متر بر صورت او بر جای گذاشته است، این مسئله کافی است که مریض مجبور شود دوباره برای علاج زشتی به وجود آمده نزد متخصصین زیبایی برود و آن را اصلاح کند.

پزشکان معتقد هستند که زن‌ها باید از این آمیخته‌های گوناگون و مشکلات و سختی‌هایی که به خاطر کندن موی ابروها پیدا می‌شود خودداری کنند (با اینکه عوارض آمیخته‌ها کم هم باشد) و بر پزشکان لازم است که خود را برای علاج گندکاری‌هایی که بعد از برداشتن موی ابرو و ... پیدا می‌شود با فعالیت و تلاش همه‌جانبه خود را آماده کنند.

مطالب بالا ترجمة حرف به حرف مجلة پزشکی به نام ایجست می‌باشد که در شماره 1987 مایو منتشر شد[[41]](#footnote-41).

پس آیا امکان ندارد که این گرفتاری‌هایی که بعد از برداشتن موی ابروها و اطراف صورت پیدا می‌شود فلسفة تحریم این عمل از طرف پیغمبر ص که پیام‌آور سرشت و فطرت پاک بوده باشد؟؟ آن روز که فرمود: «لعنَ اللهُ النامصاتِ والمتنمصاتِ». خداوند زنانی را که ابروی دیگران را باریک و دراز می‌کنند و زنانی را که خواستار و خواهان این عمل هستند نفرین و لعنت کند، لعنت دور شدن و خارج شدن از فطرت و سرشت پاک است و تمرّد و سرپیچی از فرمان حق می‌باشد. و سرانجام عصیان و سرپیچی مجازات و عذاب و دور شدن از رحمت الهی را در پی خواهد داشت. این جسم دور شده از سرشت پاک خود چاره‌ای جز ابتلاء به ناراحتی‌های روانی و جسمی نخواهد داشت، و ممکن است که این التهابات و برآمدگیهای اطراف چشم به خاطر همین حالت‌ها باشد.

پس زن بی‌‌حجاب که ابروهایش را برداشته و باریک کرده است با این وضع از سالن آرایش خارج می‌شود در حالی که ایشان باید حتماً به جراح زیبایی مراجعه نمایند[[42]](#footnote-42).

دکتر و هبه احمد حسن (استاد دانشکده پزشکی - دانشگاه اسکندریه) می‌گوید: برداشتن موی ابروها با وسایل مختلف سپس بکار بردن قلم ابرو و غیره مثل مالیدن بعضی مواد بر پوست تأثیر زیان‌آوری بر آن خواهد گذاشت چون رنگ‌ها از ترکیبات معدنی سنگینی درست شده‌اند مثل مس و جیوه، در ترکیبات روغنی مثل روغن کاکائو ذوب می‌شوند همان طور که تمام مواد رنگی بعضی از مشتقات نفتی را دارند. و همگی این‌ها اکسیدهایی گوناگون هستند که به پوست ضرر می‌رسانند. و زمانی که پوست این مواد را از طریق سوراخ‌هایش جذب کند دچار التهاب و حساسیت می‌شود. زمانی که استفاده از این مواد شیمیایی به صورت مستمر و دائمی باشد تأثیر زیان‌آوری بر بافت‌های تشکیل دهندة قلب، خون و کلیه خواهد داشت. این مواد که ترکیبات شیمیایی دارند حالت رسوبی کامل دارند که جسم به آسانی از آن نجات پیدا نمی‌کند. برداشتن موی ابرو با وسایل مختلف کِرْم پوست را ایجاد می‌کند در نتیجه سلول‌های پوست زیاد می‌شوند و در حالت توقف برداشتن موی ابروها با رشد قابل توجهی، بسیار زیاد می‌شوند در حالی که ما می‌دانیم که ابروهای طبیعی مناسب مو و پیشانی و گِردی صورت است[[43]](#footnote-43).

نتیجه: این مطالب هشدار و زنگ خطری بود که پزشکان آن را بیان کردند که ای زنی که موی ابروها و ... را برمی‌داری و باریک می‌کنی قبل از این که فرصت را از دست بدهی بیدار و آگاه شو، خداوند درست فرموده است:

﴿سَنُرِيهِمۡ ءَايَٰتِنَا فِي ٱلۡأٓفَاقِ وَفِيٓ أَنفُسِهِمۡ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمۡ أَنَّهُ ٱلۡحَقُّۗ أَوَ لَمۡ يَكۡفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدٌ ٥٣﴾ [فصلت: 53].

«ما به آنان (که منکر اسلام و قرآنند) هر چه زودتر دلائل و نشانه‌های خود را در اقطار و نواحی (آسمان‌ها و زمین که جهان کبیر است) و در داخل و درون خودشان که (جهان صغیر است) به آنان نشان خواهیم داد تا برای ایشان روشن و آشکار گردد که اسلام و قرآن حق است».

نکات زير، جای تأمل و تفکر است

خواهر مسلمانم بعد از بررسی مسائل بالا به نکات زیر توجه کنید:

1. ایمان شما به این که محمد ص رسول و فرستاده خداست ایجاب می‌کند که آن چه دستور داده است اطاعت کنی، و از آن چه شما را بر حذر داشته است دوری گزینی، و از جمله چیزهایی که از آن نهی کرده است برداشتن موی ابرو و صورت است که توضیح آن گذشت، پس بر شما واجب است تسلیم و فرمانبردار باشید.
2. در واقع برداشتن موی ابرو و صورت تقلید از کفّار است و پیامبر ص می‌فرمایند: «مَنْ تَشَبَّهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ» «هر کس خود را به قوم و ملّتی شبیه کند از آن قوم و ملّت محسوب می‌شود».
3. برداشتن مو شامل هر دو ابرو و صورت می‌شود (بعضی از زنان کندن موی صورت را با وسایل معروفی که در اختیار دارند انجام می‌دهند)، در حالی که تهدیداتی از طرف خدا و رسول خدا ص وجود دارد که لازم است از آنها آگاه باشیم[[44]](#footnote-44).
4. بعضی از زنان دلیل مؤکد خود را این می‌دانند که برداشتن این موها آرایش برای شوهر است در حالی که باید بدانند چون این کار گناه و معصیت است اطاعت برای انجام آن واجب نیست چون «فَلَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ» «اطاعت از هیچ انسانی برای انجام معصیت و گناه خداوند درست نیست».

کسانی که این کار را انجام داده‌اند لازم است فوراً توبه کنند چون هر کس به خاطر خدا کاری را ترک کند، خداوند چیزی بهتر از آن را برایش جایگزین می‌کند. برای نمونه من دختران جوانی را می‌شناسم که قیافه‌ای چندان قشنگی ندارند و ابروهایشان دارای مویی مرتب و هماهنگ نیست و به صورت دایره‌های فشرده و پر از مو درآمده است، در نظر بعضی از مردم این وضعیت قیافه و شکل ظاهری آن‌ها را بدتر و باعث تنفّر بیشتر شده است. در حالی که این دختر جوان ملتزم به أوامر خدا، دارای حجاب کامل، در نتیجه خداوند شوهری بسیار خوشگل و قشنگ، هم از نظر اخلاقی و هم از نظر قیافه به او عطا کرده است. که از آن تعجّب می‌کنم! چه کسی است که این دختر را در چشم این مرد زیبا جلوه داده است؟ و زشتی او را جاذبه و قشنگی قرار داده است؟ آیا آن کس خدایی نیست که آن دختر جوان از او اطاعت کرده است؟ و آن چه که خداوند آفریده و به آن راضی است تغییر و دگرگون نساخته است؟[[45]](#footnote-45).

پايان

خواهر مسلمانم: بعد از این که حکم برداشتن موی ابرو و صورت از نظرتان گذشت و همچنین أقوال بسیاری از دانشمندان قدیم و جدید و بعضی از پزشکان نیز بررسی شد من هم توصیه‌هایی دارم و می‌گویم (انشاءالله خداوند من و شما را به راه راست هدایت کند):

از خدا بترس، و برای توبه عجله کن، بیاد آر روزی را که به سوی خدا برمی‌گردی، در رابطه با آن چه که در گذشته انجام داده‌ای از تو سؤال می‌شود، مشغول چه هستی؟ کاری کرده‌ای که موجب نفرین و لعنت تو شده است. (لعنت دوری از رحمت و مهربانی خدا می‌باشد) در حالی که در نماز و بعد از نماز از خدا طلب بخشش و رحمت می‌کنی! آیا این کار تضاد بین گفتار و کردار شما نیست؟ رحمت را از خدا می‌طلبی و کاری را انجام می‌دهی که موجب دوری شما از رحمت او می‌شود[[46]](#footnote-46)! این کار بسیار جای تعجّب است!

این کار را به خدا و رسول خدا بسپار حکم شرعی آن برایت روشن می‌شود.

فرمان پیغمبر خدا حضرت محمد ص را بیاد آور که می‌فرماید: «مَنْ تَشَبَّهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ» «هر کس از قوم و ملّتی تقلید کند او هم از آن ملّت محسوب می‌شود»[[47]](#footnote-47). و بیاد آر فرمودة دیگر پیامبرص را که می‌فرماید: «لَتَتْبَعُنَّ سَنَنَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ شِبْرًا شِبْرًا وَذِرَاعًا بِذِرَاعٍ ، حَتَّى لَوْ دَخَلُوا جُحْرَ ضَبٍّ تَبِعْتُمُوهُمْ. قُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى قَالَ: فَمَنْ»[[48]](#footnote-48). «زمانی فرا می‌رسد که شما وجب به وجب و گام به گام راه و روش مردمان قبل از خود را در پیش می‌گیرید به طوری که اگر آن‌ها وارد سوراخ سوسمار شوند از آن‌ها پیروی می‌کنید و دنبالشان می‌روید، اصحاب گفتند ای رسول خدا آیا منظورت یهودی‌ها و مسیحی‌هاست؟ پیامبرص فرمود: پس منظورم کیست؟».

ابن مسعود می‌گوید: شما از نظر قیافه و شکل ظاهری و راه و روش زندگی شبیه‌ترین ملّت به طایفة بنی اسرائیل هستید و نقطه به نقطه از اعمال آن‌ها پیروی می‌کنید فقط این مسئله برای من مشخص نیست که آیا گوساله‌ را می‌پرستید یا خیر[[49]](#footnote-49)؟ پوشیده نیست که این کار تقلید و در آن شباهت وجود دارد.

\* ای خواهر مسلمانم: چون زنان دیگر این کار را می‌کنند تو هم به عنوان دلیل آنها را سرمشق قرار ندهید، بلکه فرمودة خدا را به یاد آورید که می‌فرمایند: ﴿وَإِن تُطِعۡ أَكۡثَرَ مَن فِي ٱلۡأَرۡضِ يُضِلُّوكَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ﴾ [الأنعام: 116]. «اگر از بیشتر مردم (که کافران و منافقانند) پیروی کنی تو را از راه خدا دور می‌سازند».

گفته‌های بعضی از گذشتگان صالح را به یاد آور که می‌گویند: راه هدایت را در پیش گیر و هرگز کم بودن تعداد راهیان هدایت شما را فریب ندهد و از راه گمراهی و ضلالت دوری کن و هرگز زیاد بودن این افراد و هلاک شدگان، شما را گول نزند.

ای خواهر مسلمانم هیچ وقت فرمان شوهرت را برای آرایش‌های حرام و نامشروع دلیل قرار مده چون برای انجام گناه و مصیت پیروی از هیچ مخلوقی جایز نیست.

\* خواهرم بدان که لغت عربی لغت اشتقاق کلمات است مثلاً (کَتَبَ، یَکْتُبُ، کتابه) (قَرأ، یَقرأ، قراءة) (النمص، النامصة، الـمتنمصة، المنماص) و همان طور که گفته شد: منماص مخصوص برداشتن موی ابروهاست که آنرا باریک و راست و درست می‌کند و بیشتر برای برداشتن موی ابرو از آن استفاده می‌شود. النامصه کسی که این عمل را انجام می‌دهد در معرض لعنت و نفرین خدا قرار می‌گیرد، از این عمل ناشایست به خدا پناه می‌بریم.

\* خواهرم توجه کن (إن شاء الله خداوند من و شما را توفیق دهد رضایت او را جلب کنیم) تمام علما که قبلاً نام بردیم از جمله: احمد، نووی، خطابی، ابوداود، ابن حجر، مُناوی و غیره از علمای متأخر همگی اتفاق نظر دارند بر این که، برداشتن موی ابرو و صورت حرام است.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| وَلَیسَ یصحّ في الأذهان شيءٌ |  | إذا احتاجَ النّهارُ إلی دلیلٍ |

یعنی: «زمانی که روز روشن نیاز به دلیل داشته باشد هیچ چیزی در ذهن‌ها درست و قابل قبول نخواهد بود».

پس ای خواهر مسلمانم به سوی فرمانبرداری و اطاعت از خدا و رسول اللهص بشتاب و بگو (سَمِعْنا وَأَطَعْنا) شنیدیم و اطاعت کردیم. همان چیزی را بر زبان جاری مکن که یهود گفتند: (سَمِعْنا وَعصینا)شنیدیم و سرپیچی کردیم. بیاد داشته باش که هر کس چیزی را به خاطر خدا ترک کند، خداوند جایگزین بهتری به او خواهد داد.

بعد از این که تصمیم گرفتی هرگز موهای ابرو و صورت را برنداری خداوند سبحان، قادر و تواناست که نور را در چهره‌ات و ایمان را در قلبت ایجاد کند، و این لطف و کرم خدا غیر ممکن نیست! و اگر برای این عمل (برداشتن و باریک کردن موی ابرو و صورت) جز اتلاف وقت و زمان چیز دیگری نبود باز کافی بود که این کار حرام و بیهوده باشد.

خداوندا! آن چه که حق و حقیقت است به ما نشان بده و توفیق پیروی از آن را به ما عطا بفرما.

خداوندا! آن چه که باطل و بیهوده است به عنوان باطل به ما نشان بده و توفیق دوری از آن را به ما عطا کن.

خداوندا! ما را از کسانی قرار ده که اگر نصیحت شدیم، پند و عبرت بگیریم و زمانی که تذکّر داده شدیم هوشیار شویم.

خداوندا! ما را از آن کسان قرار ده که به همة سخنان گوش فرا می‌دهند و از نیکوترین و زیباترین آن‌ها پیروی می‌کنند.

وَصلِّ اللّهُمَّ وسلِّمْ علی نبیّنا محمدٍ وعلی آله وصحبه وسلِّم

1. - جامع الأصول: 4/780. [↑](#footnote-ref-1)
2. - شرح مسلم للنووی: 13/106. [↑](#footnote-ref-2)
3. - ترتیب القاموسی الـمحیط - الفیروز آبادی و الزاوی: 4/444. [↑](#footnote-ref-3)
4. - لسان العرب لابن منظور: 7/101. [↑](#footnote-ref-4)
5. - الفائق فی غریب الحدیث (4/26)، تحقیق محمد ابراهیم و علی البجاوی. [↑](#footnote-ref-5)
6. - مجمل اللغة، ابن فارس: ص 886. [↑](#footnote-ref-6)
7. - تفسیر غریب الحدیث لابن حجر: ص 246. [↑](#footnote-ref-7)
8. - مشارق الأنوار علی صحاح الآثار: 2/13. [↑](#footnote-ref-8)
9. - النهایه فی غریب الحدیث والأثر: 5/199. [↑](#footnote-ref-9)
10. - غریب الحدیث: 1/166. [↑](#footnote-ref-10)
11. - لسان العرب: 2/287، با اندکی تصرف و تغییر. [↑](#footnote-ref-11)
12. - احکام القرآن ابن عربی: 1/501. [↑](#footnote-ref-12)
13. - تیسیر الکریم الرحمن: 2/170. [↑](#footnote-ref-13)
14. - أخرجه البخاری: 10/380، رقم 5948 و مسلم: 14/105. [↑](#footnote-ref-14)
15. - لسان العرب ابن منظور: 13/388. [↑](#footnote-ref-15)
16. - سنن ابوداود: 4/399. [↑](#footnote-ref-16)
17. - زیاده عند النووی فی شرح مسلم: 13/106. [↑](#footnote-ref-17)
18. - الفتح الربانی، احمد البنا: 17/298. [↑](#footnote-ref-18)
19. - فتاوى الشیخ محمد بن إبراهیم: 2/55. [↑](#footnote-ref-19)
20. - دلیل الفالحین لطرق ریاض الصالحین: 4/494. [↑](#footnote-ref-20)
21. - در بحث لغوی آن گذشت. [↑](#footnote-ref-21)
22. - ریاض الصالحین: ص 629. [↑](#footnote-ref-22)
23. - فیض القدیر: 5/273. [↑](#footnote-ref-23)
24. - الکبائر: ص 144. [↑](#footnote-ref-24)
25. - الزواجر عن اقتراف الکبائر: 1/142. [↑](#footnote-ref-25)
26. - شرح سنن نسائی للسیوطی و السندی: 8/147. [↑](#footnote-ref-26)
27. - سنن ابی داود بشرح الخطابی: 4/77، حدیث شماره 4169. [↑](#footnote-ref-27)
28. - نیل الأوطار: 5/342. [↑](#footnote-ref-28)
29. - مجلة الدعوة: شماره 975. [↑](#footnote-ref-29)
30. - الفتاوى النسائیة - محمد بن صالح العثیمین: ص 27. [↑](#footnote-ref-30)
31. - جواب این سؤال با خط دست خود شیخ است. خداوند پاداش خیر به ایشان بدهد. [↑](#footnote-ref-31)
32. - آداب زفاف محمد ناصرالدین البانی، ص 113 و استاد بزرگوار می‌گوید: «الـمغیرات لخلق الله» «تغییر دهندگان خلقت و آفرینش خدا» شامل همة موارد مذکور در حدیث می‌شود. و این دلیل است برای وجوب لعنت که باعث حرام بودن آن عمل می‌شود. [↑](#footnote-ref-32)
33. - تفسیر طبری: 9/222. [↑](#footnote-ref-33)
34. - التوحید وما یلحق به: 6/402. [↑](#footnote-ref-34)
35. - فتاوی اللجنه الدائمه الإفتاء: 5/197. [↑](#footnote-ref-35)
36. - مجلة البحوث الإسلامیه: 3/353. [↑](#footnote-ref-36)
37. - داستان کلاه گیس چیزی است که فرانسویها آنرا اختراع کردند و انگلیسی‌ها به آن چنگ زدند و از آن استفاده کردند، در اصل کلاه گیس پوششی برای زنا بود!! فراتر از آن، آنچه زیر کلاه گیس پنهان می‌شود دوره و زمانی است که عصر و زمان کلاه گیس نام برده شده است.

اوج استفاده از کلاه گیس همزمان با قرن هیجدهم و همزمان با شیوع بیماری اروپایی و عوارض آن شایع شد مثل : طاسی سر، لکه‌های صورت، ورم و التهابهای پوستی و پوسیدگی اعضای تناسلی.

به خاطر پوشاندن عیب‌های سر و پیشانی کلاه‌گیس‌ها اختراع شدند و به دلیل بوی بد گردن و سینه، لباس‌های دارای یقه‌های بلند و دراز پیدا شدند. اما جـوش‌صورت به وسیله‌ی مقداری کرم و پودر، زیبا و = = پنهان می‌شدند ولی حالا متأسفانه آن چه شایسته و مهم است فراموش شده است، پیوسته قاضیان انگلیسی این لباس را برای یادآوری تاریخ و تمدن اروپایی می‌پوشند و این همزمان است با اوج مصیبت زنا در قرن پانزدهم بر اروپا: پس جای بسی تفکر و تأمل است!! (برگرفته از کتاب الإیدز یعزف لحن الـموت، ایدز آهنگ مرگ می‌خواند: ص 195. [↑](#footnote-ref-37)
38. - فتاوی اسلامیه: 1/412. [↑](#footnote-ref-38)
39. - منبع سابق: 1/406. [↑](#footnote-ref-39)
40. - فتاوی متنوعه: ص 204. [↑](#footnote-ref-40)
41. - مجلة الـمجتمع: شماره (830) [↑](#footnote-ref-41)
42. - تعلیق الدکتور حمدی حسن في مجله نفسها. [↑](#footnote-ref-42)
43. - الـمتبرجات: الزهراء فاطمه بنت عبدالله، ص 94 به نقل از کتاب الـمرأة الـمسلمة فی وجه التحدیات، تألیف انور جندی، ص 62. [↑](#footnote-ref-43)
44. - به ص 18 مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-44)
45. - اقتباس از کتاب الـمتبرجات، ص 93 با اندکی تصرف. [↑](#footnote-ref-45)
46. - منظور از آن کار همان النمص یعنی برداشتن موی ابرو و صورت است. [↑](#footnote-ref-46)
47. - رواه ابوداود (4031)، ابن تیمیه نیز آنرا در کتاب اقتضاء الصراط (1/236) و در کتاب الفتاوی (25/331) آورده‌است و آنرا تأیید کرده‌است. [↑](#footnote-ref-47)
48. - پس غیر آنها چه کسانی است؟ [↑](#footnote-ref-48)
49. - اقتضاء الصراط: ص 107. [↑](#footnote-ref-49)